

با یاد دوست

وزارت علوم و تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

**بررسی فرهنگ گفتگو در حیات مدنی ایران  
(مطالعه‌ی موردی یک شورایاری در شهر تهران)**

نگارش

الهام نظری

استاد راهنما

دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی

استاد مشاور

دکتر منصور انصاری

مهرماه ۱۳۹۰

به یاد سخطی کوتاه تجربه‌ی گفتگو در حیات مدنی ایران

در خرداد ۱۳۸۸

## چکیده

این پژوهش در پی مطالعه‌ی فرهنگ گفتگو در حیات مدنی ایران است. از این رو، به مطالعه‌ی سابقه‌ی مشارکت در حیات مدنی پرداخته و آن را در شوراهای شهر و سپس شورایی‌ها جستجو کرده است، تا بتواند ایده‌ی اولیه‌ی تشکیل شوراها را، به عنوان نهادی مدنی در جامعه مدنی ایران، برسد. در این راستا، بر پایه‌ی رویکردهای نظری مرتبط با شکل‌گیری گفتگوی عقلانی در پیوند با جامعه‌ی دموکراتیک، به صورت‌بندی «الگوی گفتگوی عقلانی در جامعه‌ی دموکراتیک» پرداخته‌ایم. براساس این الگو که برگرفته از نظرات هابرماس، باختین و آرنست است، تحقق جامعه‌ی مدنی باز و دموکراتیک، نیازمند شکل‌گیری زبان دموکراتیک در قالب گفتگوی عقلانی، به دور از سلطه، و خارج از مناسبات حکومتی و سلسله مراتب عمودی در شهر است.

روش‌شناسی این اثر پژوهش موردیِ ابزاری است، که بر پایه‌ی الگوی گفتگوی عقلانی در جامعه‌ی دموکراتیک پیش می‌رود، و از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و گزارش‌های آرشیوی، برای جمع‌آوری داده‌ها بهره می‌گیرد. از تحلیل گفتمان‌های مسلط در هر دوره از انتخابات شورایی‌ها نیز، برای تحلیل داده‌ها استفاده کردیم.

نتیجه‌ی نهایی تبیین نظری یافته‌های این پژوهش، گویای تسلط کامل گفتمان‌های سیاسی در تعریف جایگاه نهادهای مدنی در تاریخ حیات مدنی ایران است. شورایی‌ها در آغاز در فضای فکری اصلاح‌طلبانه، که بر گفتگو و مشارکت مردمی به‌عنوان مهم‌ترین معیار تحقق جامعه‌ی مدنی تاکید داشت، تاسیس شد. اما هم-اکنون به‌علت جدال گفتمان‌های سیاسی اصول‌گرا-اصلاح‌طلب، و به تبع آن، حاملان این گفتمان‌ها، برای دردست‌گرفتن بزرگ‌ترین سازمان شهری ایران - یعنی شهرداری، فضای فکری رایج در شورایی‌های شهر تهران نیز متأثر از فضای سیاست/قدرت، و نه جامعه‌ی مدنی/گفتگو است. گرچه در این فضا نیز بر مشارکت مردمی تاکید بسیار می‌شود، اما این مشارکت در تحقق مدیریت شهری و رابطه با شهرداری خلاصه است، نه در افق دید کلان‌تر و در سطح جامعه‌ی مدنی ایران. بنابراین، در جایی هم که شاهد گفتگویی در حیات مدنی ایران - در اینجا شورایی‌ها - هستیم، جنس این گفتگو اغلب استراتژیک است تا عقلانی.

**کلید واژه‌ها:** گفتگو، گفتگوی عقلانی، حیات مدنی، ایران، شورایی

## فهرست مطالب

### فصل یک

#### کلیات

۲	تعریف مساله	۱-۱
۵	اهمیت و ضرورت پژوهش	۲-۱
۷	پیشینه‌ی تحقیق	۳-۱
۸	هدف‌های پژوهش	۴-۱
۸	پرسش‌های پژوهش	۵-۱

### فصل دو

#### مبنای نظری

۱۱	درآمد	۱-۲
۱۲	درباره‌ی دیالوگ	۲-۲
۱۴	هابرماس	۳-۲
۱۷	گفتگوی عقلانی	۱-۳-۲
۲۲	باختین	۴-۲
۲۴	گفتگوی چندآوا	۱-۴-۲
۲۸	هانا آرنست	۵-۲
۳۰	گفتگوی جمعی و پرشور	۱-۵-۲
۳۵	حیات یا جامعه‌ی مدنی	۶-۲
۳۷	مدیریت شهری	۷-۲
۳۹	جمع‌بندی و مدل مفهومی	۸-۲

## فصل سه

### روش

۴۴	موردپژوهی	۱-۳
۴۷	جامعه‌ی مورد مطالعه	۲-۳
۴۸	تکنیک جمع‌آوری داده‌ها	۳-۳
۴۹	جامعه‌ی مورد مطالعه	۴-۳
۵۰	پایایی و روایی	۵-۳
۵۲	روش تحلیل	۶-۳
۵۲	مقایسه با الگوی استاندارد	۱-۶-۳
۵۳	زیرسیستم‌های تحلیل	۲-۶-۳
۵۳	شاخص‌ها و متغیرها	۸-۳

### فصل چهار

#### تحلیل یافته‌ها

۵۶	مقدمه	۱-۴
۵۷	سابقه‌ی مشارکت و مدیریت شهری در تاریخ ایران	۲-۴
۵۸	دوران مشروطیت تا پیش از انقلاب	۱-۲-۴
۶۲	سرنوشت تفکر شورایی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷	۲-۲-۴
۶۷	سربرآوردن شوراها	۳-۲-۴
۷۳	ضرورت ایجاد شوراییاری	۳-۴
۸۲	تفکر شورایی در گفتمان اصلاح‌طلب	۱-۳-۴
۸۶	تفکر شورایی در گفتمان اصول‌گرا	۲-۳-۴
۹۴	جای‌گزینی گفتمان‌ها	۳-۳-۴
۹۵	تاریخچه‌ی نمونه‌ی مورد مطالعه	۴-۴

۹۵	محلّه‌ی مورد مطالعه	۱-۴-۴
۹۷	شرایط و ویژگی‌های شورایاری محلّه‌ی مورد مطالعه	۲-۴-۴
۱۰۵	فرهنگ گفتگو در شورایاری	۳-۴-۴
۱۱۴	جمع‌بندی	۵-۴

### فصل پنچ

#### نتیجه‌گیری

۱۱۸	تحلیل خطی داده‌ها	۱-۵
۱۲۳	تحلیل دوره‌ای داده‌ها	۲-۵
۱۲۸	فرهنگ عمومی	۳-۵
۱۲۹	پایان نامه	۴-۵

#### منابع

۱۳۴	فهرست منابع	
-----	-------------	--

## پیوست‌ها

- ۱۳۹ پیوست یک - برگه‌ی مصاحبه
- ۱۴۰ پیوست دو - مشاهده‌ی جلسه‌ی هیات امنای مورخ ۹۰/۵/۱۷
- ۱۴۲ پیوست سه - مشاهده‌ی جلسه‌ی شورایاری مورخ ۹۰/۵/۲۹
- ۱۴۴ پیوست چهار - مشاهده‌ی جلسه‌ی هیات امنای مورخ ۹۰ / ۶ / ۲۰
- ۱۴۶ پیوست پنج - آیین‌نامه‌ی داخلی شورایاری
- ۱۵۰ پیوست شش - اساس‌نامه‌ی انجمن‌های شورایاری
- ۱۵۷ پیوست هفت - قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور



## فهرست شکل‌ها

۲۱	مدل گفتگویی هابرماس	۱-۲
۲۷	مدل گفتگویی باختین	۲-۲
۲۴	مدل گفتگویی آرنه	۳-۲
۳۷	چرخه‌ی شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی	۴-۲
۴۲	مدل مفهومی نهایی	۵-۲
۵۶	مدل عملیاتی	۱-۳
۱۰۰	دفتر شورایی ۱	۱-۴
۱۰۱	دفتر شورایی ۲	۲-۴
۱۰۱	دفتر شورایی ۳	۳-۴
۱۲۰	تحلیل سه‌سطحی	۱-۵
۱۲۴	تحلیل خطی	۲-۵
۱۲۵	تحلیل دوره‌ای	۳-۵

فصل یک

کلیات

## ۱-۱- تعریف مساله

گفتگو در تمام عرصه‌های فلسفی و اجتماعی و علمی به عنوان راه کشف و انتقال حقیقت شناخته شده است. جز این که شناخت از بینش حاصل می‌شود، دیالوگ نیز در مسیر شناخت اصلی‌ترین راه به شمار می‌آید. گفتگو را می‌توان از عناصر زندگی اجتماعی بشر، از مهم‌ترین مولفه‌های دنیای امروز و حتا پیش‌شرط مفاهمه و دموکراسی برشمرد.

به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ما گفتگوها و مباحثه‌ها فقط به واسطه‌ی ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای امکان‌پذیر شده و رسمیت یافته‌اند. گفتگوها، اگر نیک بنگریم، گفتگو نیستند؛ خطابه‌هایی هستند یک‌سویه، که شایسته‌تر است آنها را نمایش گفتگو بنامیم. گویی سهم شهروندان عمدتاً در شنیدن رقم خورده است، نه در سخن گفتن و تبادل نظر؛ تریبون‌ها در عرصه‌ای رسمی تعبیه شده‌اند، نه در سطح شهر و میان شهروندان - در عرصه‌ی عمومی. حال آن که، برای ایجاد شرایط مثبت به نفع جامعه‌ی مدنی و برای احیای دموکراسی هرکس و همه کس باید از حق بیان برخوردار باشد.

نگاهی به تاریخ مدرن شهرسازی ایران نشان می‌دهد که کشور ما تقریباً فاقد فضاهای عمومی گفتگو بوده و اگر هم فضایی درکار بوده، بیش‌تر بر تک‌گویی تکیه داشته است. ریشه‌ی ایجاد چنین تفاوتی میان گفتگو و تک‌گویی را باید در مرزبندی میان مردم و حکومت جست که امکان مشارکت‌های مردم در میدان عمل حکومت را مسدود کرده است. تا پیش از دوران مشروطه در حکومت قاجار - به عنوان نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران، که مردم به حساب آمدند و حکومت به تایید مردم نیاز پیدا کرد - هیچ‌گونه پیوند و گفتگویی میان مردم و حکومت وجود نداشت. بعد از این دوران و با ورود به عصر مدرن و مدرنیزاسیون رضاشاهی، آشنایی با فرهنگ غربی و اقتباس از آن به عنوان نوعی تفکر مطرح شد.

بنابراین، نیاز به شیوه‌های جدیدی از حکومت‌رانی احساس شد و در کنار مجلس به عنوان اولین فضای گفتگو، فضاهایی مانند میدان توپخانه، لاله‌زار و استانبول - که اکنون گذرگاهی بیش نیستند و جای‌گزین مناسب و درخور شرایط امروز برای‌شان نیست - شکل گرفت. اگرچه فضاهای تعریف شده‌ای چون سالن‌های اجتماعات و فضاهای باز و بسته عمل‌کرده‌های مفیدی دارند، اما منظور از فضای عمومی، فضای کاملاً آزادی است که هیچ قاعده‌ای بر آن حاکم نباشد.

گفتگو در شهر را می‌توان از سه جنبه‌ی «(۱) احساس نیاز به گفتگو، (۲) شرایط موجود از قبیل فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و (۳) فضای گفتگو» (ذکایی، ۱۳۸۰: ۷) نگریست. برای ایجاد فضای گفتگو نخست باید ضرورت آن به وجود آمده باشد و فضای حاکم نیز این ضرورت را به رسمیت بشناسد. جز از این، «فضای کالبدی که یکی از الزامات گفتگوست هرگز نمی‌تواند به تنهایی گفتگو را ایجاد کند» (همان: ۷).

گفتگو را هم‌چنین می‌توان یکی از مولفه‌های جامعه و شهر مدرن نیز به شمار آورد. چراکه جامعه‌ی مدرن با مفهوم جامعه‌ی مدنی، و جامعه مدنی با مفهوم گفتگو ارتباط تنگاتنگی دارند. گفتگو یکی از ابعاد حوزه‌ی عمومی است که هم‌چون معیاری برای سنجش دموکراتیک‌بودن و عقلانیتِ حاکم بر جامعه‌ی مدنی به کار می‌رود. هابرماس (۱۳۸۴) نیز برای دستیابی به فضای عمومی - که آن را لازمه‌ی جامعه‌ی مدنی می‌داند، براندازی و فروپاشی جامعه‌ی مدرن بورژوایی را تجویز نمی‌کند و در عوض وقع بیش‌تری به نهادهای دموکراتیک درون جامعه‌ی بورژوایی می‌نهد. فضای عمومی بسته به وضعیت فرهنگی، سیاسی و عقیدتی هر جامعه، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد و در فضاهای گوناگونی تجلی می‌یابد.

در ایران مفهوم جامعه‌ی مدنی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ پای‌اش از محافل علمی به جامعه باز و چون اصطلاحی عام نقل هر محفل شد. اما بیش از آن‌که در عرصه‌ی عمل محقق شود و در عرصه‌های مختلف

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مابه‌ازای عینی پیدا کند، در همان حد واژگانی باقی ماند. در مجموع، این اصطلاح در عرصه‌ی سیاسی بیش از دیگر عرصه‌ها به دنبال یافتن مابه‌ازایی برای خود بود.

یکی از عرصه‌هایی که این واژه در آن می‌بایست و می‌توانست بسیار مطرح شود عرصه‌ی شهر بود، که جز شکل‌گیری شوراهای شهر و روستا، نمی‌توان اقدام درخور توجه دیگری را برای آن برشمرد. تجربه‌ی شورایی نیز در کشور، و به‌ویژه در عرصه‌ی شهر، نشانی از تحول بزرگ در زمینه‌ی گفتگو و توسعه‌ی حیات مدنی ندارد. حیات مدنی در شهر تنها از طریق فضاهای عمومی برای گفتگو تبلور کالبدی می‌یابد، چراکه بر مبنای عرصه‌های عمومی استوار است و بنیادی‌ترین مفهوم جامعه‌ی مدنی وجود عرصه‌های عمومی حایل میان فرد و حکومت است. در این عرصه‌هاست که برای انسان‌ها امکان اجتماع، برخوردهای رودررو، کنش متقابل، تضارب آرا و اندیشه‌ها، و اجماع فراهم می‌شود.

بنابراین، ایجاد فضاهای گفتگو و تعامل میان شهروندان پاسخی به نیاز جامعه مدنی است؛ فضاهایی که از نظر روانی - عاطفی فعال باشند و امکان ارتباط چهره به چهره‌ی انسانی را فراهم آورند، و از طرفی سبب رونق حیات مدنی و اجتماعی شهر شوند. چنین فضاهایی امکان کالبدیافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت را فراهم می‌آورند. فضایی که شهروندان در آن راحت و بی‌هیچ دلهره‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی به بحث و گفتگو بنشینند و بر دانسته‌های خود بیفزایند.

به باور هابرماس (۱۳۸۴)، رهایی از حوزه‌ی اقتدار دولتی و یا عوامل زیرساختی تاثیرگذار بر آن، از مهم‌ترین شاخص‌های فضاهای گفتگو یا عرصه‌ی عمومی است. از این قرار، عرصه‌ی عمومی حوزه‌ای مستقل، سازمان‌یافته و متکی به منافع درونی است که در عین تنظیم رفتار شهروندان و محدود کردن مداخلات دولت، میانجی‌مناسبات دولت با اتباع‌اش نیز هست. عرصه‌ی عمومی، فضای آزادی است که ساکنان شهر در

آن به راحتی حضور یابند و آزادانه به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خویش بپردازند - به دور از واهمه و ترس از مجازات، طرد و تکفیر. انسان شهری امروز، به تناسب شعور و آگاهی‌اش و به اعتبار تراکم ارتباطات‌اش، دارای مطالبات ناگزیر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که پاسخ‌اش باید در همان پهنه‌ی شهر بگیرد. پاسخ‌گویی به این مطالبات در محدوده‌ی خانه و خانواده و یا محیط‌های شغلی و حرفه‌ای نمی‌گنجد و شهرنشین امروزی فراتر از این قلمروها، خواهان داشتن فضاهایی است که با خرد، آزادی انتخاب و مسوولیت‌پذیری، در آنها حضور یابد تا درباره‌ی امور جاری نظر دهد و نقادی کند.

باتوجه به این مقدمات و در نظر گرفتن تهران به عنوان مرکز سیاسی و اقتصادی ایران و نیز کلان‌شهری که دست‌خوش تغییر و تحولات بسیار بوده است، و نیز با این حقیقت که هم‌اینک فضاهای گفتگو از مهم‌ترین عناصر زیست شهری هستند، در این پژوهش شورایاری‌های شهر تهران را عرصه عمومی دانسته‌ایم.

ضرورت فکر و عمل شورایی با تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا پی‌ریخته شد. سپس، شورا با استناد به ماده‌ی هفتادویک قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی شهر، مصوب در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۱، برای بهبود مسایل و مشکلات شهری، به‌ویژه در کلان‌شهر تهران، و نیز ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مردمی، اقدام به تاسیس انجمن‌های شورایاری شهر تهران کرد.

شورایاری‌ها به عنوان نهادهای معنابخش عرصه‌ی عمومی در سال‌های اخیر شکل گرفته‌اند. گرچه در نگاهی موشکافانه آشکار می‌شود که فضاهای اختصاص‌یافته به شوراها کارکرد عرصه‌ی عمومی را ندارد و هنوز، شهروندان بدون رتبه در پایین‌ترین سطح مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها قرار دارند. این را می‌توان در ابهاماتی دید که هم‌چنان در سازوکار انتخاب اعضای شوراها و نحوه‌ی فعالیت و شیوه‌ی ارتباط آن با نهادهای رسمی از سوی و مردم از سوی دیگر، وجود دارد.

با وجود این، شورایاری‌ها، که نخستین بار در سال ۱۳۷۹ در ۳۷۰ محله از شهر تهران با هدف کوچک-کردن دولت تاسیس شدند، در حال حاضر از مهم‌ترین‌های میدان‌های مدعی گفتگو در شهر تهران به حساب می‌آیند. چرا که با واسطه‌شدن میان مردم و دولت، باید به تقویت جامعه‌ی مدنی کمک کنند. لازمه‌ی ایجاد این نوع جامعه، همان‌گونه که یاد شد، ترویج گفتگوی دموکراتیک و دیالوژیک، به معنای گفتگوی آزاد و دوطرفه میان مردم و حکومت است.

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

آن‌چه توجه به این بحث را ضروری می‌کند، اهمیت گفتگو برای سنجش دموکراتیک بودن و عقلانیت حاکم بر جامعه‌ی مدنی است. گسترش عقلانیت مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی است که خود را در گفتگو نشان می‌دهد. با توجه به ادعای بنیان‌گذاران و مجریانی که شورایاری‌ها را محملی برای مشارکت مردمی با هدف کم‌کردن فاصله‌ی دولت و مردم می‌دانند، با بررسی چگونگی گفتگو در این نهاد می‌توان میزان صحت این ادعا را سنجید.

عرصه‌های عمومی بسترهای مناسبی را برای بازتوزیع قدرت میان حاکمان شهرها و شهروندان فراهم می‌کند. امروزه دیگر عصر شورش‌های ویران‌گر و حرکت‌های جمعی خشونت‌بار سر آمده و به دوران گفتگو، مفاهمه، نقد و مشاجره‌ی کلامی رسیده‌ایم. توده‌های شهری برای متقاعدکردن حکومت‌های محلی با توسل به آشوب‌گری توفیقی به دست نمی‌آورند. از سوی دیگر، قدرت‌های محلی نیز با سرکوب و کاربرد افراطی زور، سلطه‌جویی و حاکمیت تک‌صدایی، مشروعیت خویش را از دست می‌دهند. در این میان، وجود عرصه‌ی عمومی امکان‌های تازه‌ای فراروی شهروندان و حاکمان شهر می‌گذارد. این در واقع حوزه‌ای میانی است که نه

در انحصار حکومت‌هاست و نه خرد فردی (نخبگان) شکل دهنده‌ی آن است. بلکه عرصه‌ای است نیازمند تعامل سالم و سازنده و بدون تنش میان مدیران سیاسی و شهرنشینان.

گفتگو و عقلانیت عناصر اصلی شکل‌دهنده‌ی حوزه‌ی عمومی اند. این دو با یک‌دیگر در پیوند هستند و گسترش حوزه‌ی عقلانیت مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است. «این حوزه عرصه‌ی فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه‌ی باز و آزاد در حوزه‌ی عمومی متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند خارج از این حوزه به صورت قانع‌کننده‌ای مدعی شناخت بهتر، خیر و صلاح جامعه باشد... حوزه‌ی عمومی آن‌چه را که ماهیتاً عمومی است از حوزه‌های بسته و خصوصی قدرت و منفعت‌رهایی می‌بخشد، پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری و عقلانیت و جز آن چیست، تنها در حوزه‌ی عمومی هر جامعه‌ای ممکن است و مورد پذیرش و باور قرار می‌گیرد» (بشیریه، ۱۳۷۴: ۵۷-۵۶). به عبارت دیگر، «حوزه‌ی عمومی در مقابل حوزه‌های تاریک قدرت و منافع خصوصی، حوزه‌ی روشنی است. هرچه حوزه‌ی عمومی بیش‌تر گسترش یابد و هرچه حوزه‌ی قدرت بیش‌تر در آن جذب شود، زمینه‌ی عقلانی شدن دولت و سیاست بیش‌تر گسترش می‌یابد» (بشیریه، ۸۰: ۵۶).

نکته‌ی دیگری که این پژوهش را دارای اهمیت می‌کند، نوع نگاه آن به مساله‌ی گفتگو در شورایی‌ها و تاثیر آن بر شکل‌گیری حیات مدنی در شهر است. ادعای مسوولان شهری در هنگام ایجاد شوراها و گسترش آن در شهر، شکل‌گیری عرصه‌ای بود که در آن از طریق گفتگو و مشارکت مردمی فاصله‌ی دولت و مردم کم شود، تا مردم بتوانند مطالبات خود را از دولت دریافت کنند. این خود راهی به سمت جامعه‌ای مدنی است. گرچه، تجربه‌ی ۱۰ ساله‌ی این شوراها و عمل‌کرد آنها چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.



شورایاری‌ها که با هدف کوچک‌کردن دولت مطرح شدند درصدد بودند با واسطه‌شدن میان مردم و دولت، به شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی بیانجامند. لازمه‌ی ایجاد این نوع جامعه، آن سان که گفتیم، ترویج گفتگوی دموکراتیک و دیالوژیک است. با این نگاه، در پی آن برآمدیم تا نوع گفتگوییِ شوراها را مطالعه کرده و بر پایه‌ی آن به بررسی حیات مدنی بپردازیم.

افزون براین، پژوهش حاضر در راستای مفاهیم مرکزی مطالعات فرهنگی قرار دارد. زبان از مفاهیم کانونی مطالعات فرهنگی است و با مفاهیمی چون قدرت و رهایی پیوند می‌خورد. رویکرد مطالعات فرهنگی به زبان، دموکراتیک است. این رویکرد در پی زبانی است که دغدغه‌ای جز رهایی‌بخشی در سر نداشته باشد، و رهایی‌بخشی را نیز در غلبه بر قدرت متمرکز و ایجاد تکثر و تفاوت در صداها و اندیشه‌ها می‌بیند. پژوهش حاضر نیز در راستای آن‌چه در مطالعات فرهنگی سیاست‌رهایی‌بخش و سیاست تفاوت نامیده می‌شود، انجام یافته است.

### ۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

مطالعه‌ی گفتگو و فضاها‌ی گفتگویی شهری در سنت مطالعات فرهنگی سابقه‌ی طولانی ندارد، اما امروزه یکی از حوزه‌های مهم و مناقشه‌برانگیز شده است. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های مفیدی اشاره کرد که به اختصار این‌گونه است:

استفان لارنس (که کتاب *آموزش مردمی و دموکراسی در سوئد* از او منتشر شده است) و اندیش‌مندانی چون هانری لفور، و میخائیل باختین از جمله کسانی هستند که این سنت نظری را بسط داده‌اند. اما در سنت

مطالعات فرهنگی فعالیت مؤثری در این زمینه انجام نشده است. نزدیک‌ترین کار در این حوزه، اثر دکتر آزاد در زمینه پاتوق و مدرنیته‌ی ایرانی، و اثر دکتر انصاری در زمینه‌ی دموکراسی گفتگویی است. در حوزه‌ی کارهای پژوهشی نیز می‌توان از «امکان‌های گفتگو در فضاهای شهر تهران» اثر آریا وقایع نگار، «گفتگوهای شکل‌گرفته در پاتوق‌ها، فرصتی برای تجربه و مقاومت جوانان» اثر مانی کلانی، «بازخوانی فضای انقلاب مشروطه و کشف حجاب در ایران با تکیه بر فضای عمومی وارونه» اثر بابک افشار، «کارناوالی‌شدن حوزه‌ی خصوصی (مطالعه‌ای بر پارتی‌های خانوادگی)» اثر حامد یوسفی، و... نام برد. موارد بالا گواهی بر اهمیت گفتگو و فضاهای عمومی است. اما آن‌چه که تاکنون بر آن تأکید نشده، رابطه‌ی میان گفتگو در فضاهای شهری و گفتمان‌های سیاسی است که در این پژوهش می‌خواهیم تا حدودی بدان دست یابیم.

در زمینه‌ی شورایاری‌ها نیز گرچه پژوهش‌های زیادی انجام گرفته، اما رویه و موضوع بررسی آنها با آن - چه در این پژوهش به آن رسیده‌ایم کاملاً متفاوت است. از جمله تفاوت‌های پژوهش‌ها در این زمینه، روش - شناسی است که اکثریت آنها با تأکید بر روش‌های کمی و به طور خاص پیمایش اجتماعی دست به بررسی و مطالعه زده‌اند. تفاوت دیگر، نوع نگاه به مساله شورایاری‌ها است که اغلب به ارزیابی شورایاری‌ها از منظر مدیریت شهری و مسوولان پرداخته‌اند.

#### ۴-۱- هدف‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی چگونگی فرهنگ گفتگو در حیات مدنی ایران است که در فضاهای گفتگو و با شکل‌گیری عرصه‌های عمومی در شهر، برای نمونه در شورایاری‌های شهر تهران، پی گرفته می‌شود. برای این منظور سه هدف فرعی در نظر گرفته شده تا هدف اصلی پژوهش محقق شود:

- بررسی الگوی گفتگو در روند شکل‌گیری حیات مدنی در ایران
- بررسی سیر تاریخی شکل‌گیری شوراها به عنوان عرصه‌ی عمومی در شهر
- بررسی تاثیر شکل گفتگویی شورایی‌ها در نحوه‌ی شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی در ایران

### ۱-۵- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در تلاش است تا پرسش‌های پیش‌رو را پاسخ دهد:

پرسش اصلی:

- فرهنگ گفتگو در حیات مدنی ایران چگونه است؟

پرسش‌های فرعی:

- آیا شورایی‌ها به عنوان فضای کالبدی، در شهر فضایی برای گفتگو ایجاد کرده‌اند؟
- نسبت شکل‌گیری شورایی‌ها در شهر تهران با جامعه مدنی در سطح کلان چگونه است؟
- فرهنگ گفتگو در شورایی‌های شهر تهران چگونه است؟

فصل دو

مبانی نظری